



با اتکا به نیروی زحمتکشان و توده های تحت ستم افغانستان حرکت بسوی رستاخیز ملی!

نان ، کار ، آزادی ، امنیت و مصونیت

داشتن و رسیدن به آن حق مسلم و مشروع هر عضو جامعه است !

دسیسه (حادثه) یازدهم سپتامبر در ایالات متحده آمریکا و نقش ایجنت بن لادن در آن حادثه یکبار دیگر سیمای جنگ، جهان و مواضع جناح های متخاصم و رقیب را در جنگ افغانستان تغییر داد و برملا ساخت. این اوضاع برای گروه مضمحل و متواری اخوانی های تنظیمی فرصتی بود تا بعد از یک غسل تعمید در زرادخانه امپریالیزم و کشیدن یک قشقه تازه سیاسی بر جبین و اظهار ندامت از خیانت به ارباب و در بدل امضا قولنامه فروش افغانستان در «کنفرانس بن» یکبار دیگر بر مسند سلطنت کابل جلوس کند.

بیشتر از بیست سال از دسیسه یازدهم سپتامبر میگذرد ؛ جنگ ، خونریزی ، کشتن ، بستن ، آتش زدن قرا و قصبات و بمباران های وحشیانه روی خانه های مردم توسط سپاه متجاوز امریکا و ناتو تحت عنوان مبارزه با تروریسم، سر آخر قدرت سیاسی را در دست همان تروریست هایی گذاشت که این جنگ خونین را بنام شان آغاز کرده بود، و بدون شبهه قربانیان حقیقی این جنگ را روستاییان و شهریان بیگناه و آوارگان بی پناه کوچه ها، کودکان و زنان تشکیل می دادند. جنایاتی که همیشه لکه های ننگ دامن انسانیت خواهند بود.



در حالی که استقرار نظام طالبانی در اثر توافقات آشکارای ایالات متحده آمریکا و شرکای او در منطقه صورت گرفت، اما سقوط کشور در ظرف چند روز، پس از خروج نیروهای نظامی متجاوزان از کشور، مبین فساد دستگاه حاکمه سلف طالبی و ضعف نامریی اقتصادی ناشی از آن بود، که از چهل سال به این سو گریبانگیر کشور و مردم ما بوده است. این خود مبین آنست که مافیای حکومتی دارو دسته های حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی و شرکای ایدئولوژیک او غارتگران و دزدان ای بیش نبودند که هنوز هم با وقاحت تمام و تحت عناوینی چون «جبهه مقاومت ملی؟!»، «جبهه آزادی؟! لویه جرگه؟! و...» در تبانی با گروه داعش و شبکه های آدمکشان حرفوی ای چون «بلک ووتر» و «صهیونیستان» معروف در صدد یافتن جای پا در میان مردم و بازگشت به قدرت و بدست آوردن امتیازات به ظاهر از دست رفته شان هستند. همان مردمی که همیشه در چشم انداز آنان موجودات حقیر و بی ارزشی بودند که فقط در هر پنج یا شش سال باید در مواضع رای گیری حاضر می شدند و رای خود را سخاوتمندانه نثار یک راهزن دیگر میکردند.

اکنون که گرسنگی، بیکاری، امنیت، مصونیت و منع کردن زنان از حق تحصیل بیداد می کند، ستم طالب نابکار، عملیات کینه توزانه او علیه اقلیت های نژادی و مذهبی، کوچ های اجباری، دهشت افگنی توأم با انفجارات سازمان یافته در مکاتب و مساجد و در بین شهروندان و دهاتیان روز بروز بیشتر شده میرود. این اوضاع غیر قابل تحمل است و بزودی باید خاتمه پیدا کند. گروه سیه روی و سیه طینت طالبی باید این را بدانند که سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و ارباب مردم، سلاحی که سلف وی بدان متوسل شده بود به هیچ وجه نمی تواند عزم و اراده تسخیر ناپذیر مردم افغانستان را برای حصول آزادی و حقوق شان خدشه دار نه ساخته و در هر زمان و هر شرایطی نظر به اقتضای شرایط و محدودیت های استبدادی در مقابل حکومت های خود خوانده مزدوران اجنبی دست به مبارزه و استقامت زده اند. تجارب جنگ های دوامدار در مقابل اشغالگران روسی و آمریکایی این را به مردم آموخته است که هیچگاه نباید در برابر زور زانو بزنند.

ما مطمئن هستیم که سلاح زنگار زده تعصب و تحجر هیچگاه توان مقاومت را در برابر طغیان و رستاخیز میلیون ها انسان گرسنه ندارد. تاریخ مبارزات خلق های تحت ستم این را بارها ثابت ساخته است. نان، کار، آزادی، امنیت و مصونیت!!! این است مقدم ترین خواست توده های محروم افغانستان.

هم اکنون اعتراضات و خیزش های زنان تحت شعار نان، کار، آزادی، امنیت و مصونیت!!! بیش از پیش گسترش یافته، بی عرضگی طالبان و بی میلی جامعه جهانی برای تامین آن را آشکار ساخته است.

متحجران طالبی و حامیان بین المللی شان بی عرضه تر از آن اند که حتی عمق این بحران را درک و احساس کنند، بحرانی که به زودی به یک موج روفنده مبدل شده و به سلطه تاریک شان پایان می بخشد.

ابلهان قرون وسطایی با رویای سلطه بر مردم با سلاح تعصب و تحجر، اغوا و تحمیق، استفاده از خدعه های آشکار استعمارگران انگلیسی، اعمار و افتتاح مدرسه های نوع دیوبندی و حقانیه یی و مغزشویی های کودکان و نوجوانان به میدان آمده اند. اما خبرت و آگاهی توده ها دیگر هم سطح خبرت و آگاهی انسان قرون وسطایی نیست، فقط درک و شناخت آنی توده ها از قوع حادثه و توطئه های استعمارگران و ایادی آنها به تنهایی کافی است تا بزودی به سیل روفنده ای مبدل شده و بساط جهل را برچینند.

ما شاهد موج گسترده ای از دستگیری زنان معترض، فعالین مدنی، زنان و مردان مبارزی هستیم.

ما به صفت یک نیروی مردمی شدیداً نگران سرنوشت دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی در تحت رژیم طالبانی هستیم. این نخستین باری نیست که طالب وحشی در سرزمینی که اصلاً به آنها تعلق ندارد دست به جنایات می زند. ما در گذشته های نه چندان دور شاهد قتل های فجیع و حملات جیونانه آنها بر مکاتب و در بین مردمان ملکی و انتحاری های آنها بوده ایم. این اعمال تبهکارانه همیشه بخشی از سیاست های این گروه مزدور را تشکیل داده است. ما در حالی که این عملیات تبهکارانه را علیه مردم خود به شدت محکوم می کنیم، به عاملان آنها هشدار می دهیم، هرگاه این اعمال تبهکارانه و ضد انسانی خود را به زودی متوقف نکنند، عواقب آن خیلی ها زودتر از آنکه انتظار میبرند، دامنگیر شان خواهد شد.

جبهه مردم افغانستان (جما) در حالی که یکبار دیگر بر مواضع اصولی خود در دفاع مردم افغانستان، از همه جنبش های خود جوش و جنبش بانوان افغانستان و تداوم مبارزات پیگیر خود برای رهایی توده های زحمتکش افغانستان از بند استعمار و استثمار، دفاع از زندانیان سیاسی تاکید می کند، پشتیبانی کامل خود را از شعار: «نان، کار، آزادی، امنیت و مصونیت» زنان افغان اعلام می کند.

ما از تمامی نیرو های آگاه و انقلابی دعوت میکنیم، ضمن حمایت همه جانبه از مبارزات زنان کشور، در کنار ما قرار گرفته، مارش عظیمی را در تمامی ولایات، قرا و شهرها بر علیه سلطه جهل در کشور براه اندازند.

پیروزی نهایی از آن مردم است.

قوت ما در اتحاد ماست !

همبستگی ملی ما ضامن پیروزی ماست!

برای ایجاد و اعمار یک جامعه آزاد و مستقل همه با هم !

زنان افغانستان نصف پیکر جامعه است ؛ بدون مشارکت زنان افغانستان آزادی و ترقی افغانستان

ناممکن است !

نان ، کار ، آزادی ، امنیت و مصونیت

داشتن و رسیدن به آن حق مسلم و مشروع هر عضو جامعه است !

جوزای ۱۴۰۱ کمیته فرهنگی جما

